

کتاب دانیال — شماره سی و هفتم

بازگرداندن حقایق اصیل: آشکار ساختن رؤیای ویلیام میلر و خیزش دوباره نبوی در روزهای آخر

Jeff Pippenger

2024-01-01

خواب ولیم میلر در کتاب «نوشته‌های آغازین» قرار داده شده است، و از این رو تابع همان تحلیل و کاربرد نبوی است که باید به وسیله دانشجویی که می‌کوشد «کلام حق را به درستی تقسیم کند» انجام پذیرد. این خواب در طول سال‌ها بارها به وسیله Future for America ارائه شده است، اما در اینجا ما آن را در مطالعه «افزایش معرفت» قرار می‌دهیم؛ همان معرفتی که در «زمان آخر» در سال 1798 گشوده شد. این خواب به تاریخ پیامی می‌پردازد که نمایانگر معرفتی بود که افزایش یافت. همچنین پیوندی میان جنبش‌های پیام فرشته اول و فرشته سوم را به تصویر می‌کشد.

خواب ولیم میلر اُس کے کام کی نشان دہی کرتا ہے، اور اُس کا کام قدیم اسرائیل کے آغاز میں موسیٰ کے کام سے مماثلت رکھتا تھا۔ آخری ایام میں میلر کے خواب کی تکمیل، قدیم اسرائیل کے آخری ایام میں مسیح کے کام کے ذریعے ممثل ٹھہری۔ جو کام مسیح نے قدیم اسرائیل کے اختتام پر انجام دیا، وہ اُس کام کی نمائندگی کرتا ہے جو مسیح روحانی اسرائیل کے آخری ایام میں انجام دیتا ہے۔ میلر کے خواب میں آخری ایام میں انجام پانے والا کام "Brush Man" Man کے ذریعے انجام دیا جاتا ہوا ظاہر کیا گیا ہے۔ یہ نہایت ضروری ہے کہ میلر کے خواب کو آخری ایام میں نصف اللیل کی پکار کی تکمیل کی پیش گوئی کے طور پر پہچانا جائے۔ نیز یہ بھی نہایت ضروری ہے کہ قدیم اسرائیل کے آخری ایام میں اُن کے لیے مسیح کے کام کو، میلر کے خواب میں "Brush Man" Man کے کام کا ممثل سمجھا جائے۔

یکی از ابعاد مهم کار مسیح که شایسته توجه است، این است که او نه تنها حقایق مدفون از زمان موسی را از مهر و موم بیرون آورد، بلکه هم‌زمان همان حقایق اولیه را بزرگ و جلال‌مند ساخت. بدین‌سان، او نمونه‌ای برقرار کرد که هرگاه قوم خدا در ایام آخر رؤیای میلر را به کمال رسانند، حقایقی که از طریق کار میلر استوار گردیده‌اند، فراتر از فهم آغازین آنها گسترش خواهند یافت.

«در زمان نجات‌دهنده، یهودیان آن‌چنان جواهرات گران‌بهای حقیقت را با زباله‌های سنت و افسانه پوشانیده بودند که تشخیص راست از دروغ ناممکن شده بود. نجات‌دهنده آمد تا زباله‌های خرافه و خطاهای دیرینه و عزیزداشته‌شده را برطرف سازد، و جواهرات کلام خدا را در چارچوب حقیقت قرار دهد. اگر نجات‌دهنده اکنون نیز همان‌گونه که نزد یهودیان آمد، نزد ما می‌آمد، چه می‌کرد؟ او نیز ناگزیر می‌بود کاری مشابه انجام دهد و زباله‌های سنت و تشریفات را بزدايد. یهودیان هنگامی که او این کار را انجام داد، سخت پریشان شدند. آنان حقیقت اصیل خدا را از نظر دور داشته بودند، اما مسیح آن را بار دیگر در معرض دید قرار داد. کار ما آن است که حقایق گران‌بهای خدا را از خرافه و خطاهایی بخشیم. چه کار عظیمی در انجیل به ما سپرده شده است!» Review and

Herald, June 4, 1889

امروز مرد جاروب خاک (مسیح) همان‌گونه که شیر سبط یهودا (مسیح) در زمان یهودیان به انجام رساند، «کاری مشابه در زدودن آوار سنت و تشریفات» را به انجام می‌رساند. در رؤیای میلر، جواهرات گران‌بهای حقیقت که به‌گونه‌ای کامل در صندوقچه کلام خدا مرتب شده بودند، با آوار و جواهرات تقلبی پوشیده شدند. این جواهرات می‌بایست در دوران فریاد نیمه‌شب ایام آخر از میان آوار بیرون آورده شوند و دوباره در صندوقچه بزرگ‌تر کلام خدا قرار گیرند، زیرا هنگامی بود که میلر جواهرات بازگردانده‌شده را در صندوقچه بزرگ‌تر نگریست که «از فرط شادی فریاد برآورد، و همان فریاد او را

بیدار کرد». رؤیای میلر در سال 1847 روی داد، سه سال پس از فریاد نیمه شب فرشته اول؛ از این رو بیدار شدن او در رؤیا، همان فریاد نیمه شب ایام آخر است. آن فریاد نیمه شب به وسیله دو شاهد اعلام می شود که به دست وحشی که از هاویه برمی آمد کشته شده بودند، و سه روز و نیم در کوچه افتاده مرده بودند، تا اینکه در دره استخوان های خشک مرده با هم شکل داده شدند و سپس حیات یافتند و آنگاه همچون علمی برافراشته گردیدند. رؤیای میلر در همان کوچه، و در همان دره ای تحقق می یابد که او آن را «اتاق خود» معرفی می کند.

در تاریخ میلی ها، خداوند از میلر برای برپایی حقایق اولیه ادونتیس م استفاده کرد، اما رؤیای او نشان داد که با گذشت زمان آن حقایق زیر آوار سنت و عادت مدفون خواهند شد. این پدیده زدودن زباله های سنت و رسم همان کاری است که مسیح در پایان اسرائیل باستان به انجام رساند، و با این کار، تحقق نهایی رؤیای ویلیام میلر را به صورت نمادین پیشاپیش مجسم ساخت.

یهودیان «حقیقت اصیل خدا» را از نظر دور کرده بودند، اما مسیح آن را بار دیگر در معرض دید قرار داد، و کار او را «کار ما» معرفی کرد. کار ما این است که «حقایق گران بهای خدا را از خرافات و خطاهایی بخشیم». رؤیای ویلیام میلر کشف، ارائه و رد شدن، و بازسازی حقایق اصیل را مشخص می کند. برای به انجام رساندن کار بازسازی، مسیح حقیقت را در «چارچوب حقیقت» قرار داد. «چارچوب حقیقت» برای ویلیام میلر، فهم او از دو قدرت ویرانگر بت پرستی و پاپ گرایی بود. در ایام آخر، «چارچوب حقیقت» عبارت است از سه قدرت ویرانگر ازدها، وحش، و نبی کذاب.

«وقتی مسیح به جهان آمد تا دین حقیقی را مجسم سازد و اصولی را که باید بر دل ها و اعمال آدمیان حاکم باشند، تعالی بخشد، دروغ چنان در میان کسانی که از چنین نور عظیمی برخوردار شده بودند ریشه دوانیده بود که دیگر نور را درک نمی کردند و هیچ میلی نداشتند که سنت را برای حقیقت واگذارند. آنان معلم آسمانی را رد کردند، خداوند جلال را مصلوب ساختند، تا بتوانند آداب و بدعت های خویش را حفظ کنند. همین روح امروز نیز در جهان آشکار است. آدمیان از بررسی حقیقت اکراه دارند، مبدا سنت هایشان برهم خورد و نظم تازه ای از امور پدید آید. در بشریت همواره قابلیت مستمر برای خطا وجود دارد، و انسان ها به طور طبیعی متمایل اند که اندیشه ها و دانش بشری را بسیار ارج نهند، حال آنکه امر الهی و جاودانی نه تمییز داده می شود و نه ارج نهاده می شود». Counsels on Sabbath School Work, 47.

اگر مسیح امروز به جهان می آمد، «همان روح» برکشیدن اندیشه ها و معرفت انسانی را می یافت که سنت را به جای حقیقت نشانده بود. در رؤیای میلر، در ایام آخر، مسیح به عنوان مرد جاروی خاک می آید تا همان کار عیناً یکسان را به انجام رساند. هنگامی که کار او به عنوان مرد جاروی خاک به انجام رسد، جواهرات اصلی، چون آن دو شاهد که به وسیله میلر نمایانده شده اند، با فریاد ندای بلند بیدار می شوند و ده بار درخشان تر از خورشید خواهند درخشید.

چارچوب حقیقتی که به میلر داده شد، ساختار نبوی دو قدرت ویران کننده بود؛ و چارچوب حقیقتی که به Future for America داده شده است، ساختار نبوی سه قدرت ویران کننده است. «کلیدی» که به صندوقچه متصل بود، همان روش شناسی خاصی بود که از مهر گشوده شد و به میلر داده شد، و پس از آن به Future for America.

«د مسیح په ورځو کې د پوهې کلي د هغو کسانو له خوا اخیستل شوې وه چې باید یې په لاس کې لرلې وای، څو د زرې لوطنامې په سپېڅلو صحیفو کې د حکمت د خزانې کور پرانیزي. ربانو او ښوونکو په عملي توګه د آسمانونو پاچاهي پر بېوزلو او ځپل شوو بنده کړې وه، او هغوی یې پرېښي وو چې هلاک شي. مسیح په خپلو ویناوو کې هغوی ته په یو وار ډېر څه نه وړاندې کول، هسې نه چې د هغوی ذهنونه مغشوش کړي. هغه هر ټکی روښانه او جلا بیانوه. هغه په

نبوتونو کې د زرو او اشنا حقیقتونو له تکرار څخه کرکه نه کوله، که دا به د ده موخه پوره کوله چې مفکورې ور وټوکوي.»

«مسیح سرچشمه و پدیدآورنده همه جواهرات کهن حقیقت بود. به واسطه عمل دشمن، این حقایق از جای خود برکنده شده بودند. آن‌ها از موضع راستین خویش جدا گشته، در چارچوب خطا نهاده شده بودند. کار مسیح این بود که آن جواهرات گران‌بها را در چارچوب حقیقت دوباره تنظیم کرده، استوار سازد. اصول حقیقت که خود او برای برکت جهان عطا کرده بود، به واسطه عامل شیطان مدفون شده و ظاهراً منقرض گشته بودند. مسیح آن‌ها را از زیر آوار خطا بیرون کشید، نیرویی تازه و حیاتی به آن‌ها بخشید، و فرمان داد که همچون جواهرات گران‌بها بدرخشند و تا ابد استوار بمانند.»

«مسیح خود می‌توانست هر یک از این حقایق کهن را به کار گیرد، بی‌آنکه کوچک‌ترین ذره‌ای را از جایی وام گیرد، زیرا او پدیدآورنده همه آنها بود. او آنها را در ذهن‌ها و اندیشه‌های هر نسل افکنده بود، و هنگامی که به جهان ما آمد، حقایقی را که مرده شده بودند از نو ترتیب داد و حیات بخشید، و آنها را برای منفعت نسل‌های آینده نیرومندتر ساخت. این عیسی مسیح بود که قدرت آن را داشت که حقایق را از میان خاک‌روبه‌ها نجات دهد و بار دیگر آنها را با تازگی و قدرتی بیش از حالت نخستینشان به جهان عطا کند.» Manuscript Releases، جلد 13، 240، 241.

جالب توجه است که در بخش پایانی، کلیدی که مسیح در پایان اسرائیل باستان به کار برد، برای گشودن عهد عتیق بود. کلید روش‌شناسی میلر صندوقچه عهد عتیق و عهد جدید را گشود، اما در ایام آخر، در پایان رؤیای او، آن صندوقچه بزرگ‌تر است. کلید روش‌شناسی در ایام آخر نه تنها عهد عتیق و عهد جدید، بلکه روح نبوت را نیز می‌گشاید. گشوده‌شدن مکاشفه عیسی مسیح، درست پیش از بسته‌شدن زمان آزمایش، به وسیله شیر سبط یهودا انجام می‌شود؛ کسی که در رؤیای میلر به صورت مرد جاروی خاک‌روب به تصویر کشیده شده است. خواهر وایت تصریح می‌کند که کار آن مرد جاروی خاک‌روب درست پیش از بسته‌شدن زمان آزمایش رخ می‌دهد.

«خداوند در ۲۶ ژانویه رؤیایی به من عطا کرد که آن را بازگو خواهم کرد. دیدم که بعضی از قوم خدا کشف و خفته‌اند؛ و تنها نیمه‌بیدارند، و زمانی را که اکنون در آن به سر می‌بریم درک نمی‌کنند؛ و اینکه آن "مرد" با "جاروی خاک‌روبی" داخل شده است، و بعضی در خطر آن‌اند که جاروب شده، از میان برده شوند. از عیسی التماس کردم که ایشان را نجات دهد، اندکی بیشتر بر آنان شفقت روا دارد، و بگذارد خطر هولناک خود را ببینند، تا پیش از آنکه برای همیشه بسیار دیر شود، آماده گردند. فرشته گفت: "هلاکت چون گردبادی عظیم در راه است." از فرشته التماس کردم که بر کسانی که این جهان را دوست می‌دارند، و به اموال خود دل بسته‌اند، و حاضر نیستند از آنها دل بکنند و آنها را قربانی کنند تا قاصدان را در راهشان برای خوراک دادن به گوسفندان گرسنه، که از فقدان خوراک روحانی در حال هلاک شدن بودند، شتاب بخشد، ترحم کند و ایشان را نجات دهد.»

«هنگامی که مشاهده کردم جان‌های بیچارگی به سبب نداشتن حقیقت حاضر در حال هلاک شدن‌اند، و برخی که مدعی ایمان به حقیقت بودند، با دریغ داشتن وسایل لازم برای پیشبرد کار خدا، آنان را می‌گذاشتند تا بمیرند، آن منظره چنان دردناک بود که از فرشته التماس کردم آن را از من دور سازد. دیدم که چون آرمان خدا بخشی از اموال ایشان را مطالبه می‌کرد، همچون آن جوانی که نزد عیسی آمد، [22:19-22:19] اندوهگین باز می‌گشتند؛ و نیز اینکه به زودی بلای طغیان‌کننده از فراز خواهد گذشت و همه دارایی‌های ایشان را یکسره خواهد روبید، و آنگاه دیگر برای قربانی کردن اموال زمینی و اندوختن گنجی در آسمان، بسیار دیر شده خواهد بود.» Review and Herald, April 1, 1850

«تازیانه جاری» نمادی از قانون یکشنبه‌ای است که به زودی خواهد آمد، و کار مرد برس به دست در رؤیای میلر درست اندکی پیش از بسته شدن زمان فیض رخ می‌دهد. هنگامی که او اتاق را پاک کرده است، آنگاه جواهرات را دوباره به درون صندوقچه بزرگ‌تر می‌افکند، و آنان سپس ده برابر درخشان‌تر از خورشید می‌درخشند. دانیال و آن سه مرد شایسته ده برابر بهتر از دیگران یافته شدند.

پس در پایان روزهایی که پادشاه گفته بود ایشان را حاضر کنند، رئیس خواجه‌سرایان آنان را به حضور نبوکدنصر آورد. و پادشاه با ایشان سخن گفت؛ و در میان همه آنان، کسی مانند دانیال، حننیا، میثائیل و عزریا یافت نشد؛ از این رو در حضور پادشاه ایستادند. و در هر امر حکمت و فهم که پادشاه از ایشان پرسش می‌کرد، آنان را ده چندان برتر از همه مجوسان و منجمانی یافت که در سراسر مملکت او بودند. دانیال ۱۸:۱-۲۰

«پایان ایام» برای دانیال نمایانگر آن محک‌نهایی بود که در آن نبوکدنصر داوری کرد، و آن آزمون، نمونه‌ای از قانون یکشنبه در ایام آخر است. حقایق اصیل و بنیادین، هنگامی که در ایام آخر اعاده شوند، ده برابر درخشان‌تر خواهند درخشید تا زمانی که نخستین بار شناخته شدند. این حقایق، و حکیمانی که در ایام آخر آن حقایق را درمی‌یابند، در هنگام باران آخر، که تکرار فریاد نیمه‌شب است، ده برابر درخشان‌تر خواهند درخشید.

«شما آمدن خداوند را بیش از حد دور می‌پندارید. من دیدم که باران آخر همچون [ناگهان همانند] فریاد نیمه‌شب، و با ده برابر قدرت، در حال آمدن بود.» Spalding and Magan, 5.

بازگردانی حقایق اصیل از طریق به‌کارگیری روش‌شناسی باران آخر، یعنی «حکم بر حکم»، به انجام می‌رسد. چون این حقایق بازگردانده شوند، «ده چندان» درخشان‌تر از زمانی می‌درخشند که میلر نخستین بار بر آنها نظر افکند. حکیمانی که برای بازگرداندن حقایق اصیل، کلید روش‌شناسی را به کار می‌برند، تجربه‌ای «ده چندان» بهتر از کسانی به دست می‌آورند که از روش‌شناسی بابل می‌خورند. آنان که به وسیله مرد جاروب خاک روییده می‌شوند، همان کسانی‌اند که به سنن و رسومی دل بسته‌اند که حقیقت اصیل را پوشانیده است، و با خطاهای همان سنن و رسومی که بدانها وابسته شده‌اند، پاک و برانداخته می‌گردند.

یک آموزه کاذب، بتی است.

«در رد حقیقت، انسان‌ها پدیدآورنده آن را رد می‌کنند. در پایمال کردن شریعت خدا، اقتدار شریعت‌دهنده را انکار می‌نمایند. ساختن بتی از تعالیم و نظریه‌های باطل، همان قدر آسان است که ساختن بتی از چوب یا سنگ.» جدال عظیم، 584.

اعلان عدالت بر افرایم، که پایان دوران فرصت افرایم را رقم زد، بر حقیقت آنچه مرد فرچه خاک‌روب هنگامی که کف را جارو می‌کند به انجام می‌رساند، تأکید می‌ورزد.

اِفرائیم بُتوں سے ملا ہوا ہے؛ اُسے اکیلا چھوڑ دو۔ ہوسیع 4:17.

شما آنچه را می‌خورید، همان می‌شوید، چنان‌که در مورد دانیال و آن سه جوان برگزیده آشکار شد. نگرانی خواهر وایت درباره کسانی که «کندذهن و خفته» بودند، به کمبود آمادگی آنان و نیز به فقدان تشخیص ایشان نسبت به اهمیت «حقیقت حاضر» مربوط می‌شد. نگرانی او جلوه‌ای از دل‌مشغولی مسیح برای یهودیان جدل‌پیشه عصر خویش بود، که حقیقت‌های اصیل را یکسره از نظر دور ساخته بودند. رؤیای میلر پایان اسرائیل روحانی معاصر را مشخص می‌سازد؛ همان که اسرائیل باستانی تحت‌اللفظی نمونه و پیش‌نگار آن بوده است.

«کاتبان و فریسیان ادعا می‌کردند که کتاب مقدس را تفسیر می‌کنند، اما آن را مطابق اندیشه‌ها و سنن خود تفسیر می‌نمودند. رسوم و اصول ایشان هرچه بیشتر سخت‌گیرانه و طاقت‌فرساتر می‌شد. در معنای روحانی خود، کلام مقدس برای مردم همچون کتابی مهرشده شده بود که فهم آنان بر آن بسته بود.» Signs of the Times, May 17, 1905.

از سال ۱۸۶۳ بدین‌سو، تاریکی تدریجی بر ادونتیسیم لائودیکیه‌ای سایه افکنده است، و کتاب مقدس و روح نبوت برای ایشان همچون کتابی مهرشده گشته است. درست پیش از آن‌که زمان آزمایش به پایان رسد، مکاشفه عیسی مسیح گشوده می‌شود، و فرآیندی سه‌مرحله‌ای از آزمون پدید می‌آورد که سرانجام به آن‌جا می‌انجامد که کسانی که از واگذاشتن بت‌های خویش، یعنی رسوم و سنت‌هایشان، سر باز می‌زنند، در قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی خواهد آمد، جاروب شوند و از میان برداشته گردند.

«ما فدیة‌دهنده‌ای نامتناهی داریم، و چه گران‌بها هستند گوهرهای حقیقتی که در کلام خدا بر این امر شهادت می‌دهند. اما این جواهرات گران‌قدر زیر انبوهی از خاشاک، از سنت‌ها، از بدعت‌ها، که خود شیطان آن‌ها را پدید آورده است، مدفون شده‌اند. نیرنگ‌های او با قدرتی شگفت بر ذهن‌های بشری عمل می‌کند تا ارزش مسیح را از دید کسانی که به او ایمان دارند، بپوشاند. دشمن خدا و انسان افسون خود را بر آنان که دعوی پیروی از مسیح دارند افکنده است، تا آنجا که درباره بسیاری می‌توان گفت: زمان تفقد خود را نشناخته‌اند.» Review and Herald, August 16, 1898.

خواب‌میلر، تاریخ‌برپایی «حقایق اصلی»، ردّ شدن بعدی آن‌ها، و سپس اعاده نهایی آن‌ها را به تصویر می‌کشد. اندکی پیش از پایان مهلت توبه، «مرد برس خاک‌روبی» وارد صحنه می‌شود و حقایق اصلی را دوباره برقرار می‌سازد و آن‌ها را «ده برابر» درخشان‌تر می‌کند. این امر در خلال تاریخ فریاد نیمه‌شب رخ می‌دهد، که بر فریاد بلند فرشته سوم در قانون یکشنبه پیشی می‌گیرد. فریاد نیمه‌شب، پیشاپیش قانون یکشنبه، باکره‌ها را بیدار می‌سازد و از هم جدا می‌کند، همان‌گونه که در تاریخ میلیری، فریاد نیمه‌شب پیش از آغاز دآوری تحقیقی آمده بود. هنگامی که جواهرات به صندوقچه بزرگ‌تر اعاده‌افتة بازافکنده می‌شوند، دیگر بسیار دیر شده است، زیرا آن رویداد «پس از» آن واقع می‌شود که کف کاملاً جارو شده است.

«خاک و خاشاک گمراهی، گوهرهای گران‌بهای حقیقت را مدفون ساخته است؛ اما کارگران خداوند می‌توانند این گنجینه‌ها را آشکار سازند، تا هزاران تن با شادمانی و هیبت بر آنها بنگرند. فرشتگان خدا در کنار آن کارگر فروتن خواهند بود و فیض و روشنایی الهی خواهند بخشید، و هزاران نفر به دعا با داود هدایت خواهند شد که: "چشمان مرا بگشا تا چیزهای شگفت‌انگیز را از شریعت تو مشاهده کنم." حقایقی که قرن‌ها نادیده گرفته شده و مورد اعتنا واقع نشده‌اند، از صفحات منور کلام مقدس خدا با درخششی فروزان پدیدار خواهند شد. کلیساها عموماً که حقیقت را شنیده، رد کرده و پایمال نموده‌اند، شیرانه‌تر عمل خواهند کرد؛ اما «دانایان»، یعنی آنان که صادق‌اند، خواهند فهمید. کتاب گشوده است، و کلمات خدا به دل‌های کسانی می‌رسد که خواهان دانستن اراده او هستند. در هنگام فریاد بلند آن فرشته از آسمان که به فرشته سوم می‌پیوندد، هزاران تن از رختی که قرن‌ها جهان را در بند نگاه داشته است بیدار خواهند شد و زیبایی و ارزش حقیقت را خواهند دید.» Review and Herald, December 15, 1885.

آن «هزاران»ی که سپس بیدار می‌شوند، نمایانگر گله دیگر خدا هستند که هنوز در بابل‌اند، زیرا «فریاد بلند» از هنگام قانون یکشنبه آغاز می‌شود. کار «مرد برس خاک» از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در جریان بوده است، و از ژوئیه ۲۰۲۳ حتی بیشتر نیز.

«حواری می‌گوید: «تمام کتب مقدس از الهام خداست و برای تعلیم، برای توبیخ، برای اصلاح، و برای تربیت در عدالت سودمند است؛ تا مرد خدا کامل گردد و برای هر کار نیکو به‌تمامی مهیا شود.» کتاب مقدس خود مفسر خویش است. یک آیه کلیدی خواهد بود که آیات دیگر را خواهد

گشود، و بدین سان نوری بر معنای نهفته کلام تابانیده خواهد شد. با سنجیدن متون گوناگونی که درباره یک موضوع سخن می گویند، و با نگرستن به دلالت آنها از هر سو، معنای حقیقی کتب مقدس آشکار خواهد شد.

”بسیاری می پندارند که برای فهمیدن معنای کلام خدا باید به تفسیرهای کتاب مقدس مراجعه کنند، و ما نیز بر آن نیستیم که تفسیرها نباید مطالعه شوند؛ اما برای آنکه حقیقت خدا از زیر انبوه سخنان انسان ها بازشناخته شود، بصیرتی بسیار لازم است. کلیسا، به عنوان جماعتی که اقرار می کند به کتاب مقدس ایمان دارد، چه اندک کرده است تا جواهرات پراکنده کلام خدا را گرد آورد و آنها را در یک زنجیر کامل حقیقت به هم پیوندد! جواهرات حقیقت، آن گونه که بسیاری گمان می کنند، بر سطح زمین قرار ندارند. ذهن مسلط در هم پیمانی شر، پیوسته در کار است تا حقیقت را از نظر پنهان نگه دارد و آراء مردان بزرگ را آشکارا در معرض دید قرار دهد. دشمن با تمام توان خود می کوشد نور آسمان را از طریق فرایندهای آموزشی تیره و مبهم سازد؛ زیرا قصد ندارد که انسان ها آواز خداوند را بشنوند که می گوید: «این است راه؛ در آن گام بردارید.»

«جواهر حقیقت در سراسر میدان وحی پراکنده است؛ اما زیر سنت های بشری، زیر گفته ها و احکام انسان ها مدفون شده است، و حکمتی که از آسمان است عملاً نادیده انگاشته شده؛ زیرا شیطان کامیاب شده است که جهان را بر آن دارد که باور کند سخنان و دستاوردهای انسان ها دارای اهمیتی عظیم اند. خداوندگار، آفریننده عالم ها، به بهایی بی نهایت، انجیل را به جهان عطا کرده است. به واسطه این عامل الهی، چشمه های شادمانه و طراوت بخش تسلی آسمانی و تعزیت پدیدار برای آنان که به سرچشمه حیات خواهند آمد، گشوده شده است. هنوز رگه هایی از حقیقت هست که باید کشف شود؛ اما امور روحانی به گونه ای روحانی ادراک می گردد. ذهن هایی که از شرارت تیره و تار شده اند، نمی توانند ارزش حقیقت را آن گونه که در عیسی است، دریابند.»
Review and Herald, December 1, 1891

مسیح کا کام، جیسا کہ ملر کے خواب میں مٹی جھاڑنے والے آدمی کے طور پر پیش کیا گیا ہے، دوہرا ہے۔ ایک یہ کہ خطا کو دور کرے، اور دوسرے یہ کہ اصل حقائق کو بحال کرے۔ خطا کو دور کرنا بھی دوہرا ہے، کیونکہ جب خطا کو کھڑکی سے باہر جھاڑ دیا جاتا ہے، تو وہ خطا ان لوگوں کو بھی اپنے ساتھ لے جاتی ہے جو ان غلطیوں سے وابستہ رہنے کا انتخاب کرتے ہیں۔ مٹی جھاڑنے والے آدمی کے ذریعے انجام پانے والا جدائی کا کام یرمیاہ بھی بیان کرتا ہے، اور اُس کی گواہی سسٹر وائٹ کے ساتھ موافق ہے، جب اُس نے کہا کہ، ”خداوند کے کارکن ان خزانوں کو آشکار کر سکتے ہیں، تاکہ ہزاروں لوگ اُن پر خوشی اور ہیبت کے ساتھ نگاہ کریں۔“

پس خداوند چنین می فرماید: «اگر بازگردی، تو را بازخواهم آورد، و در حضور من خواہی ایستاد؛ و اگر گران بها را از بی ارزش جدا سازی، همچون دھان من خواہی بود۔ بگذار آنان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان باز مگرد.» ارمیا 15:19.

در این بخش از ارمیا، سخن متوجه کسانی است که نخستین نومیادی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را تجربه کرده اند۔ این تنها «مرد برس خاک» نیست که گران بها را از پست جدا می سازد، بلکه این همچنین کار کسانی است که ارمیا نماینده آنان است؛ کسانی که چنین تصویر شده اند که در حال تصمیم گیری اند آیا به سوی خداوند بازگردند یا بازنگردند۔ آشکار است که آنان با خداوند نبوده اند، زیرا اگر با او سلوک می کردند، هیچ دلیلی نداشت که بازگردند۔ هنگامی که بازگردند و در حضور خداوند بایستند، و پس از آن به دھان او بدل شوند، کاری را به انجام رسانده خواهند رساند که عبارت است از جدا ساختن گران بها از پست۔ کار «مرد برس خاک» مستلزم مشارکت حکیمان است۔ کار «مرد برس خاک» در رؤیای میلر همچنین آنگاه به تصویر کشیده می شود که مسیح خرمنگاه خود را از طریق فرایندی پالاینده پاک می سازد۔

«این فرایند تصفیه دقیقاً چه اندازه زود آغاز خواهد شد، نمی‌توانم بگویم، اما به درازا خواهد کشید. او که غربال خود را در دست دارد، هیکل خویش را از آلودگی اخلاقی آن پاک خواهد ساخت. او خرمنگاه خود را به کلی تطهیر خواهد کرد.» Testimonies to Ministers, 372, 373.

فرآیند نهایی «تصفیه» در ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز شد، و این همان فرآیند تصفیه‌ای است که در فصل سوم ملاکی آمده است.

«ملاکی ۳:۱-۴ نقل قول شد.»

«در میان قوم خدا فرایندی از پالایش و تطهیر در جریان است، و یهوه صباوت دست خود را بر این کار نهاده است. این فرایند برای جان بسیار سخت و جان‌آزماست، اما ضروری است تا آلودگی زدوده شود. آزمون‌ها ضروری‌اند تا ما در تسلیم به اراده او به پدر آسمانی خویش نزدیک گردانیده شویم، تا بتوانیم برای خداوند هدایتی در عدالت تقدیم کنیم. کار خدا در پالایش و تطهیر جان باید ادامه یابد تا خادمان او چنان فروتن شوند، چنان نسبت به خویشتن مرده باشند، که هنگامی که به خدمت فعال فراخوانده می‌شوند، چشمشان فقط به جلال خدا دوخته باشد.» ریویو اند هرالده، ۱۰ آوریل ۱۸۹۴.

دومین رؤیای میلر، احیای حقایق اصیل و نیز احیای هم‌زمان قومی را که پراکنده شده‌اند، مشخص می‌سازد. دومین رؤیای نبوکدنصر، احیای پادشاهی او را مشخص می‌سازد. رؤیای میلر، مدفون شدن حقایق اصیل را با این تعبیر مطرح می‌کند که آن حقایق «پراکنده» شده‌اند. واژه «پراکنده» نمادی از «هفت زمان» است. رؤیای نبوکدنصر درباره «پراکندگی» «هفت زمان» است. نبوکدنصر در سال 1798 در زمان آخر قرار داده می‌شود، و در آنجا نماینده مردی ایمان‌آورده است. میلر نماد «حکیمان» در 1798 است.

ماجرایی مقالب کب به د مبلر خوب ته دوام ورکرو.

«وقتی از ما خواسته می‌شود که با دیگران اختلاف نظر داشته باشیم، یا دیگران اختلاف خود را با رأی ما اظهار می‌کنند، باید روحی مسیحی از خود ظاهر سازیم و این حقیقت را برجسته نگه داریم که می‌توانیم آرام و منصف باشیم؛ زیرا حقیقت تاب بررسی را دارد. هرچه بیشتر مطالعه شود، نور آن بیشتر خواهد درخشید. خداوند بر هر آنچه رنگ و بوی تندی و سختگیری دارد، اخم می‌گیرد و توبیخ خویش را متوجه کسانی می‌سازد که بر آنان که در عقیده با ایشان اختلاف دارند، اهانت و سرزنش روا می‌دارند و آنان را در بدترین صورت ممکن جلوه می‌دهند. تمامی آسمان بر کسانی که چنین می‌کنند، همان‌گونه می‌نگرد که بر فریسیان نگرست، و آنان را جاهل به کتب مقدس و نیز به قدرت خدا اعلام می‌دارد. دشمنان حقیقت نمی‌توانند حقیقت را به خطا بدل کنند. آنان ممکن است حقیقت را پایمال کنند و بپندارند که چون آن را به زیر افکنده و با آوار پوشانده‌اند، مغلوب شده است؛ اما خدا بر برخی از امینان خویش تأثیر خواهد نهاد تا همان کنند که مسیح هنگامی که بر زمین بود کرد،—یعنی آوار را کنار زنند و حقیقت را به جایگاه شایسته‌اش در چارچوب حقیقت بازگردانند.»

«در محافلی که حقیقت موضوع بحث و گفت‌وگوست، کسانی خواهند بود که با هر آنچه تاکنون آن را حقیقت ندانسته‌اند، مخالفت خواهند ورزید؛ و حال آنکه خود را چنین می‌فریبند که فقط با خطا می‌جنگند، نیاز دارند که با گوش‌هایی فارغ از تعصب بشنوند، تا دریابند حقیقت چیست و آنچه گفته می‌شود را نادرست وانمایند و بد تعبیر نکنند. ایشان نمونه مردان همه اعصار را پیش روی دارند که با حقیقت ستیز کردند و بدین‌سان، مشورت خدا را بر ضد خویشتن رد نمودند. سنگین خواهد بود مسئولیتی که بر دوش مردانی قرار خواهد گرفت که از نور بسیار و فرصت‌های عظیم برخوردار بوده‌اند، و با این همه، از آن فرو مانده‌اند که به تمامی در جانب

خداوند باشند. اگر جرئت آن را می‌داشتند که به تمامی در جانب خداوند باشند، حتی آنگاه که فراخوانده می‌شدند تا تنها بایستند، در راستی محفوظ می‌ماندند. او ایشان را قادر می‌ساخت که با شجاعت، در پاکی و انصاف، ایستادگی کنند و برای اصول فسادناپذیر عدالت مجاهده نمایند. او ایشان را در پیکار برای حق، از آن‌رو که حق است، پایدار می‌داشت، هرچند عدالت در کوچه‌ها به خاک افتاده باشد و انصاف نتواند داخل شود. آنان درمی‌یافتند که چه چیز پاک و بی‌آلایش است و با حیات مسیح موافق، و از خالص‌ترین اصول مسیحیت در روح، کلام یا عمل روی بر نمی‌تافتند، هرچند نه تنها در برابر جهل، بلکه در برابر آنان که تعلیم‌یافته و باتجربه بودند و برای خاموش ساختن ایشان از سلاح‌های مغالطه استفاده می‌کردند، قرار می‌گرفتند. در میان تمامی این کشاکش خطا بر ضد حقیقت، محفوظ می‌ماندند و قادر می‌شدند چنان مسیری را نگاه دارند که دشمنانشان نتوانند بر سخن ایشان خرده گیرند یا در برابرشان مقاومت کنند. آنان همچون صخره‌ای بر اصل استوار می‌ایستادند، از سازش با هر انسانی سرباز می‌زدند، و در عین حال آن روحی را حفظ می‌کردند که باید مشخصه هر مسیحی باشد.»

«کسی که پیرو مسیح است، میان مقدس و معمولی تمایز خواهد نهاد، و به شواهد راستین سیرت و کار انسان متمسک خواهد شد؛ زیرا مسیح فرموده است: "از میوه‌های ایشان، ایشان را خواهید شناخت." مسیحی در میان هرگونه مخالفت، به پیش خواهد رفت. او تملق را خوار خواهد شمرد، زیرا از شیطان زاده شده است. او اتهام‌زنی را منفور خواهد داشت، زیرا سلاح شریر است. آنان حسد را در دل نخواهند پرورانید و به خودبرتربویی مجال نخواهند داد، زیرا اینها ویژگی‌های دشمن خدا و انسان است. آنان در مقام جاسوس یافت نخواهند شد؛ زیرا شیطان در انجام این کار بر ضد عیسی، از یهودیان خوارشمرده بهره گرفت. آنان برادران خود را با سیلی از پرسش‌ها دنبال نخواهند کرد، چنان‌که یهودیان مسیح را دنبال می‌کردند تا او را در سخنانش به دام اندازند و او را برانگیزند که از امور بسیار سخن گوید، تا بتوانند به سبب سخنی او را خطاکار بشمارند.» Home.

Missionary, September 1, 1894